بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه11...30/6/99

(فصل - فی ما یعفی عنه فی الصلاة - آیا مرد هم ملحق به زن مربیه هست ؟ - اقوال و ادله و اشکال آن )

مساله دو به دو بحث پرداخته است بحث اول :آیا مربی مثل مربیه لباس او در نماز معفو است یا نه؟ آیا حکم به عفو شامل مربی هم میشود اگر مربی مرد بود لباس او در حکم لباس زن پرستار است ؟ دو قول است : اکثر فقها قائلند به عدم الحاق

قول دوم : عده ای قائل به الحاقند مثل مرحومین علامه در تذکره و شهید اول در ذکری و شهید ثانی در مسالک و هو المختار

دلیل قائلین به الحاق :

√ دلیل اول : تنقیح ملاک قطعی که ملاک معفو بودن ثوب مربیه مشقت است و این ملاک برای مرد هم هست

√ دلیل دوم : قاعده اشتراک در تکلیف که زن و مرد در تکالیف مشترکند این قاعده ایجاب میکند اگر ثوب مربیه در نماز معفو است ثوب مربی هم معفو باشد

اشکال مرحوم آقای خویی و مرحوم آقای حکیم در مستمسک ج ۱ و مرحوم صاحب جواهر ج ۶ : که مشقت علت حکم نیست بلکه حکمت حکم است و حکمت حکم تخلف بردار است علت از معلول و معلول از علت تخلف بردار نیست آنجایی که زن رحم ندارد میگویند عده نگه دارد چون آن اختلاط میاه علت نیست بلکه حکمت است علاوه اینکه مشقت ظنی است و نه قطعی لذا تنقیح مناط قطعی نیست و وقتی قطعی نبود دلیل اعتبار نیاز دارد و ما دلیل اعتبار نداریم

ثالثا : در روایت آبی حفص مورد سوال بر روی مربیه است نه مربی و سرایت دادن دلیل میخواهد نه اجماعی است و نه روایتی

اما قاعده اشتراک در جایی است که احتمال فرد و خصوصیت ندهی با وجود احتمال فرد و خصوصیت قاعده اشتراک جاری نیست چگونه ادعای اشتراک دارید در حالی که زنها در بعضی از خصوصیات با مردها متفاوتند مثل نماز و حج و جهاد

√ فرق قیاس و تنقیح مناط :یکی که قیاس ظنی است اما تنقیح قطعی است و آن به عرف است که آن مشقت دارد و دوم تنقیح قیاس به اولویت است و قیاس اولویت حد وسط دارد و آن کبری دلیل است مثل و لا تقل لهما اف که راه به طریق اولی جایز نیست

و فرق سوم که صغری قیاس شرعی نیست اما کبری قیاس شرعی است لذا در. کبری دلیل اعتبار میخواهیم

اشکال استاد به مرحوم آقای خویی :اشتراک زن و مرد در جمیع احکام واجبات و محرمات نیست تا دنبال خصوصیات و فرقها باشیم بلکه اشتراک در خصوص عفو است چون عفو ثوب مربیه و مربی مشترک است چون عنصر محوریش که مهم است تربیت و تصدی امور و تربیت طفل است و طفل در دامن مربیه و مربی است و این ملاک هم در مرد است و زن

اما در حکمت که ایشان فرمودند اشکال این است که حکمت تسهیل و ارفاق است چرا و به چه حکمت خدا لبا س پرستا را د رنماز معفو میداند بخاطر ارفاق و تسهیل بر او پس حکمت مشقت نیست و مشقت فلسفه حکم است مثل اینکه د رنماز های جهریه وظیفه اخفات است که اخفات فلسفه نیست بلکه حکمت است که صدای زن نظر را جلب میکند حالا ممکن است بعضی جاها هم نظر را جلب نکند پس بخاط وحدت ملاک در زن و مرد که هر دو مامور تربیت این طفل و تصدی امور آن هستند ملحق میشوند

بحث دوم :اشاره به تواتر بول مرد مربی میکند تواتر بول با سلسل البول فرق دارد در سلسل بول قطره قطره می آید و در نماز نباید لباسش آلوده شود و برای هر نماز یک وضو میگیرد اما تواتر بول کسی است که خیلی دستشویی میرود در روایات به چنین کسی که زیاد میرود خَثی میگویند که بیضه او بیمار است حال کسی که تواتر بولی دارد سید میفرماید مثل مرد و زن مربیه لباسش در نماز معفو است اما حکم به اشکال کرده اند که دلیل و مستندی ندارند که لباس او معفو است چون مستند ما سه تا روایتی است که به امام کاظم علیه السلام برمیگردد که در یک روایت سند عبد الرحیم که توثیق ندارد و در دیگری سند آن سعد ابن عبد الرحمان که اصلا مجهول است و روایت سوم مرسله است و هر سه در وسایل الشیعه ج ۱کتاب الطهار ت با ب ۱۳ از ابواب نواقض وضو حدیث ۸ص ۲۰۱ که به امام موسی کاظم علیه السلام نوشتم که این فرد خثی بول میکند و بول او بسیار شدید است که به سرعت او را بول میگیرد و رطوبتی را بعد از رطوبتی میبیند امام فرمود وضو میگیرد و ینتزع اب پاشی میکند در روز یک بار نه اینکه بشوید پس اشکال سندی روشن شد

اما اشکال دلالی :از این ینتزع بدست می آید روایت مال سلسل البول است نه تواتر بول چون کسی که قطره قطره بول او می آید گرفتار توهم است که آیا این رطوبت نجس است امام میفرماید آب پاشی کن که شک کنی این رطوبت بول است و با یقین نماز بخوان

اما اشکال دوم دلالی : وظیفه سلسل البول نزع نیست بلکه بستن آلت است قبل از اینکه نماز را شروع کند و حدیث اجمال دارد